



و در نهایت برای‌شان حکم صادر می‌کنیم، درباره ایشان وجود ندارد و این، مسأله زندگی ایشان نبوده است. چگونه شمس که ساخت این سریال، این فرصت را برای شما فراهم کرد تا به این درک برسید؟

بعضی از مطالب را - همان‌طور که شما گفتید- اطرافیان شهید به آدم منتقل می‌کنند که این حرف‌ها را از زبان خواهر شهید تازه شنیده‌ام که مثلاً می‌گوید: پدر شما چنین تیبی داشت، در جوانی به این صورت بود و این طوری راه می‌رفت. آن چیزی که ساخته تصور ذهن من بود این بود که ایشان در برهه‌ای طولانی از زندگی‌شان ریش داشتند، در برهه‌ای از زندگی خود لباس خاصی می‌پوشیده‌اند و یک ساک با مدل خاصی داشته‌اند. پارسال به این نتیجه رسیدیم که واقعاً ممکن است که زندگی شهید بالا و پایین هم داشته باشد، ولی با همه این‌ها مسیر درستی را که انتخاب کرده‌اند، به دنبال آن مسیر می‌روند.

که مثلاً شامل یک هدف اصلی و تعدادی راه‌های فرعی بوده است...

خیر، این زندگی شهید بود و از یک مسیر عادی گذشته تا رسیده به مسیر شهادت. یعنی یک آدم خاص نبوده که جدای از جامعه باشد یا مثلاً اهل خیلی چیزهایی که جوان‌های الان هستند. یک فردی نبوده که شاخص بوده باشد یا این‌که همیشه اهل نماز شب باشد. پدرم خیلی مسائل دیگر هم داشته است، ولی در انتها شهید شده است.

می‌خواهید بگویید یک آدم معمولی و ساده بوده؟

می‌خواهم بگویم که او تافته جدا بافته‌ای نبوده، یک فرد عادی بوده که در مسیر زندگی‌اش حرکت می‌کرده و به‌خاطر هدفی که داشته تلاش می‌کرده و بعد به انتخاب‌هایی در مسیر زندگی‌اش دست زده و به این سرانجام رسیده است. به‌علاوه این‌که در طول زندگی خود مسیرهای دیگری را هم طی می‌کرده و آزمون و خطاهایی داشته است. واقعاً شهید تندگویان یک چنین آدمی بوده است. تا پارسال من ایشان را یک اسطوره بدون عیب می‌پنداشتم، اما دیدم نه، همه ما اگر چندین عیب هم داشته باشیم، اما نهایت کار مهم است.

کدام تصویر ایشان برای شما قشنگ‌تر است؛ این تصویر

ایشان یک فرد کلیشه‌ای نبوده است، فردی که از اول تا آخر در یک مسیر باشد، نه افتی داشته باشد، نه فرازی، نه فرودی و همه زندگی‌شان طبق یک الگوی خاص، چیزی که مد نظر ماست و در مورد آدم‌ها جنبه‌های مثبت و منفی‌شان را در نظر می‌گیریم و در نهایت برای‌شان حکم صادر می‌کنیم، درباره ایشان وجود ندارد.

از حقیقت نیست. شما در فضایی قرار داشتید که پدرتان در آن فضا تنفس می‌کرده و احساس‌هایی که هر چند از طریق دیگران، پدر بزرگ و مادران و دیگر بستگان به شما منتقل می‌شده است، همه هم واقعیت داشته است و هر چه بزرگ‌تر می‌شدید، برای‌تان عینیت بیشتری پیدا می‌کرده، چون صاحب درک و قوه تخیل بیشتری می‌شدید و می‌توانستید این تصویرها را در کنار هم قرار بدهید و به تصویر کامل‌تری برسید؛ درست است؟

آن چیزی که بود این‌که من بیشتر صحبت‌هایی با مادر شهید و پدر ایشان یا مادر و خواهران و برادر خودم داشتم، به‌خاطر این بود که قرابت آن‌ها به شهید من را به حال و هوای پدرم نزدیک می‌کرد و می‌توانستم تصویری از شهید در ذهن خودم داشته باشم، ولی در همین سال گذشته که سریال شهید تندگویان در حال ساخت بود، با مواردی برخورد کردم که متوجه شدم من هم به‌طور کامل نمی‌دانم پدرم چه شخصیتی داشته است، بعضی از مسائل، تازه پارسال برای من آشکار شد و به بعضی از خصوصیات شهید پی بردم.

آن خصوصیات شامل چه مواردی بود؟

پارسال به این نتیجه رسیدیم که ایشان یک فرد کلیشه‌ای نبوده است، فردی که از اول تا آخر در یک مسیر باشد، نه افتی داشته باشد، نه فرازی، نه فرودی و همه زندگی‌شان طبق یک الگوی خاص، چیزی که مد نظر ماست و در مورد آدم‌ها جنبه‌های مثبت و منفی‌شان را در نظر می‌گیریم

شما سال‌های زیادی فرصت داشته‌اید که در نبود پدر - هم در دورانی که ایشان در اسارت بودند و هم در زمانی که منتظر پیکر پاک ایشان بودید و می‌دانستید که شهید شده‌اند - تمامی این سال‌ها، نزدیک به سه دهه فرصت داشتید تا به خاطرات پدر و نیز به شخصیت ایشان بیندیشید. از بازگویی اولین تصویرهایی که در ذهن‌تان بوده شروع کنید تا برای دیگران به یادگار بماند و ان‌شاءالله یاد شهید تندگویان برای همیشه زنده بماند. این‌گونه مشخص است که این بحث خیلی گسترده و باز است. این بازبودن بحث، آدم را گیج می‌کند. باید چه حرفی بزنم؟

این‌که اولین تصویری که از پدرتان به یاد دارید، چیست؟

تقریباً من هیچ تصویری از پدرم در ذهنم نیست. چرا؟

چون من در سن ۵ سالگی بودم که پدرم اسیر شدند و بعد هم به شهادت رسیدند. واقعاً هیچ تصویری در خاطر ندارم، اگر هم چیزی باشد، براساس سخن‌های دیگران یا بازسازی یک‌سری صحنه‌هایی بوده که خودم تصور کرده‌ام یا از روی عکس‌هایی بوده است که کنار هم چیده‌ام. به غیر از این عکس‌های خانوادگی که در کنار هم می‌چیدم، از محبت و مهربانی شهید و آن چیزی که مادر بزرگم تعریف می‌کنند و نیز برخوردهای عاطفی شدید ایشان با خانواده و محبتی که به خانواده خود ابراز می‌کردند، چیزی در ذهنم نمانده است. شاید هم علت این موضوع، همین باشد که پدرم مأموریت‌های کاری مختلفی داشتند و زمانی که من به دنیا آمدم، در دانشگاه شبانه‌روزی قبول شدند و مشغول به تحصیل در رشته مدیریت بودند و این اتفاق در اولین سال تولد من بود که افتاد.

شهید تندگویان خیلی دور از خانواده بودند و مشغله کاری بسیار چنین اجازه‌ای را به ایشان نمی‌داد که دائم در کنار خانواده باشند؛ به‌خاطر همین شاید کمتر چیزی در ذهن من مانده باشد.

پس شاید شما برای این‌که تصویری از پدر خودتان داشته باشید، یک‌سری پازل را کنار هم چیده‌اید و تعریف‌های دیگران را شنیده‌اید و به نظر من این‌ها چندان هم دور

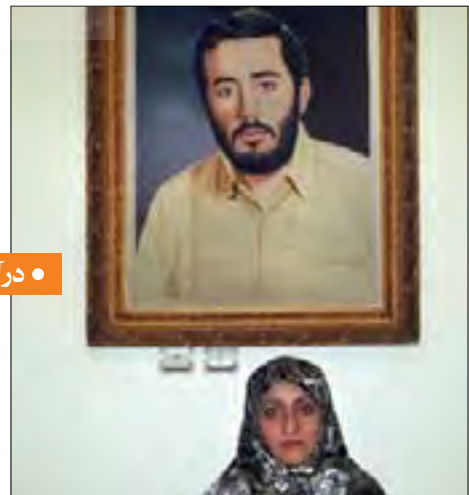
## دغدغه مردم را داشت...

شهید تندگویان در قامت یک پدر در گفت‌و شنود شاهد

یاران با دکتر هاجر تندگویان

• درآمد

دکتر هاجر تندگویان، بزرگ‌ترین دختر شهید محمد جواد تندگویان معتقد است که پدرش بیش از هر چیز و با وجود مقام علمی و آکادمیک و نیز سابقه مبارزاتی و سیاسی و سرانجام شهادت در راه خدا که بهترین مقام ممکن است، فردی معمولی بوده و اتفاقاً همین نکته، ارزش کار شهید تندگویان و مسیری را که طی کرده است، بهتر نشان می‌دهد؛ این‌که یک آدم کاملاً معمولی بتواند چنان راهی را بیاید و به چنین جایگاهی برسد...





معرض آزمون و خطا قرار بدهم و نخواهم که آدم بی عیبی باشم؛ چون هیچ کس بی عیب نیست. شاید مهم ترین ویژگی امیرالمؤمنین علی (ع) انسان بودن ایشان بوده است و این که مانند یک آدم معمولی زندگی و کار می کردند، یک آدم عجب الخلقه یا روین تن نبوده است. در نهایت نیز فرق ایشان با شمشیر سمی شکافته شد و به شهادت رسیدند...

الآن در شغل پزشکی، کاری که از دست من برمی آید، برای مریض ها انجام می دهم، می گویند خدا پدرت را بیمارزد و خدا روحش را شاد کند. احساس می کنم همین کارهای کوچکی که از دست ما برمی آید و انجام می دهیم، کفایت می کند و لزومی ندارد که یک آدم شاخص باشیم، فقط باید عادی زندگی کنیم و اطرافیان را راضی نگاه داریم و در حد توان به زندگی خودمان ادامه دهیم؛ من دیگر به دنبال اسطوره نیستم.

اگر پسر شما چند سال دیگر بزرگ تر بشود و پیرسد که پدر بزرگ من که عکسش روی دیوارهای شهر است، اسمش هم در جاهای مختلف درج شده است، چطور آدمی بود؛ چیزی آماده کرده اید که به او بگویید؟

خب، چگونه شهید را به پسران معرفی می کنید؟ می گوید ویژگی های ایشان چه بوده است؟ من، البته این را خدمت شما بگویم که پسر من نوه دو شهید است. به خاطر همین وقتی بزرگ بشود، حتما خیلی سؤال ها خواهد داشت و در جوابش خواهم گفت که پدر بزرگ فردی فرهنگی بوده اند و شغل معلمی داشته اند. اسم ایشان سید مهدی مهدی زاده فاضلی بود.

درباره شهید تندگویان پدر بزرگ دیگر او به پسران چه می گوید؟ من می گویم که ایشان فردی بود که خیلی دغدغه مردم را داشت. از اول که در زندگی حرکت کرد، به سمت صنعت نفت رفت؛ به خاطر شرایط سختی که در جنوب شهر زندگی می کرد و دیده بود که مردم در چه سختی هایی زندگی می کنند. واقعا دغدغه مردم، ایشان را واداشت که به دنبال این علم برود و حتی در جنگ هم باز در پالایشگاه ها حضور داشته باشد. به خاطر دغدغه مردم بود که در عین حال که خانواده اش را به شدت دوست داشت و واقعا علاقه داشت که با همدیگر به مسافرت بروند و لحظات خوشی را داشته باشند، ولی وزنه آن سمت سنگینی کرد و بالاخره در نهایت به خاطر مردم شهید شد و الآن مردم قدر ایشان را می دانند. ■

کنند، ولی در نهایت چقدر موفق بودند، چقدر توانستند و چنین امکانی فراهم شد تا طبق واقعیت جلو بروند، مهم برای ما اثرگذاری سربال بود و تا حد امکان نیز همراهی می کردند. اما در جاهایی هم به ما می گفتند که اگر بخواهید این گونه شهید را نمایش بدهید، ما اجازه نمی دهیم. شنیده ام که سربال را دیده اید و از آن راضی هستید؟ سربال را کامل ندیده ایم، ولی کل فیلم نامه را خوانده و نظرات مان را هم داده ایم. البته نقش من و خواهرم مریم کاملاً بی رنگ است و نقش هدی و مهدی در این سربال تا حدودی پررنگ است. چون قرار است حرفی منتقل شود، به نظرم نقش خانواده باید برجسته می شد، چون خانواده در زندگی شهید تندگویان نقش مهمی ایفا کرده است. تقریباً می شود گفت که کارگردان در این سربال یک حالت داستانی را دنبال کرده، و صحبت هایی هم از طریق داستان گفته شده است.

پس نگاه شما به عنوان یک جوان امروزی، یعنی جوانی که در جمهوری اسلامی به سن بالندگی رسیده است، با توجه به شناختی که از پدرتان دارید، چگونه است؟ معاشرین و دوستان ایشان را دیدید؟ (نگاهی که در حال حاضر به شهید تندگویان دارید چیست؟) ویژگی های شهید را بگویید.

قبلاً در سن ۱۸ سالگی، خیلی احساس می کردم که باید به شهید فکر کنم، باید همراه با شهید زندگی کنم و همان کام هایی را که ایشان برداشته اند، باید قدم به قدم بردارم. آن طور که ایشان برای درس پشتکار داشته، من هم باید همان گونه باشم، با همان جدیت باید کار کنم و با همان صداقت باید عمل کنم. این نکات خیلی برای من بارز بود و تا آن جا که می توانستم عمل هم می کردم، یعنی طبق رفتارهای پدرم سعی می کردم عمل کنم. از شهید، رفتاری دور از ذهن نمی ساختم، ولی با وجود شرایط اجتماع، با وجود مسائلی که هست و در شرایط جامعه ای که در آن قرار داریم، می کوشیدیم تا وظیفه خودم را در هر توان و به شکلی کامل انجام بدهم. می دانم که اگر رضایت خدا را داشته باشم، قطعاً شهیدم رضایت دارد و شرط اول رضایت خدا و بعد رضایت ایشان است. دیگر آن قدرها موشکافانه در زندگی، خودم را مورد بازبینی قرار نمی دهم.

منظورتان چیست؟ الآن راحت تر برخورد می کنم، قبلاً مقیدتر بودم و سخت می گرفتم و این موضوع طبق آن شناختی بود که فکر می کردم شهید فردی بی خطاست، ولی حالا به این نتیجه رسیدم که من هم باید خطا داشته باشم تا خودم را در

**جدید یا آن نگاه اسطوره وار؟**  
من احساس می کنم که این تصویر پخته تر و به نوعی کامل تر است.

**یعنی چه که احساس می کنید این، تصویر پخته تری است؛ این را بیشتر توضیح بدهید.**

احساس می کنم جوان های حالا با این تصویر اخیر ارتباط نزدیک تری برقرار می کنند تا با آدمی که همیشه ماورایی باشد و همیشه متعالی و هیچ وقت در جامعه، اهل خطایی نبوده و وارد هیچ مسأله ای در جامعه نشده باشد. یا مثلاً آدمی که کوچک ترین خطایی نداشته باشد. حتی نکته ای را لازم می دانم خدمت شما بگویم که در همین سربال، تیبی را که شهید واقعا داشته است، نشان نداده اند.

**چرا؟**  
چون که صدا و سیما اجازه نمی داد قیافه شهید به غیر از این قیافه ای که می بینیم باشد. یعنی یک تیپ کلیشه ای می خواستند.

**یعنی با شلوار گشاد و پیراهن ساده...**  
بله، آن هم در صورتی که مثلاً شهید شلوار لی می پوشیده اند، یعنی اصلاً تیبی داشته که بسیار متفاوت از تیپ های رسمی امروز است. شهید تندگویان کسی بوده مثل خود ما؛ عاطفه و محبتی داشته و دوست داشته است همیشه با خانواده اش باشد.

**از همه مهم تر این که اشتباه نیز داشته است؟**  
اشتباه هم می کرده و خطا داشته؛ زندگی معصومانه ای نداشته است.

**هیچ وقت نرفید با مسؤلان صدا و سیما و سازندگان این سربال صحبت کنید تا این نقش را واقعی تر نشان بدهند؟**

درباره سربال، نظر من این بود که تا حد امکان واقعیات نشان داده شود تا مثلاً تصویری خیالی. تمام تلاش مان را هم کردیم، خواهر شهید بسیار تلاش کردند که حتی المقدور واقعیات زندگی شهید را در سربال منتقل

**در طول زندگی خود مسیرهای دیگری را هم طی می کرده و آزمون و خطاهایی داشته است. واقعا شهید تندگویان یک چنین آدمی بوده است. تا پارسال من ایشان را یک اسطوره بدون عیب می پنداشتیم، اما دیدم نه، همه ما اگر چندین عیب هم داشته باشیم، اما نهایت کار مهم است.**

